

بر مبنای نظریه
اسلامی توزیع،
کار معیار اولیه،
اصولی و مهم
کسب معیشت
متناسب و پایدار
برای هر فرد است.
در واقع هر انسان
مسلمان در بستر
یک تقویم پولی
مناسب و عادلانه از
انواع مشاغل، باید
بتواند با کار خود،
معیشت و زندگی
اولیه خود را تأمین
کند. شکاف عمیق
در قیمت‌گذاری
مشاغل در عمل
نوعی شکاف
عمیق درآمدی
در سطح محلی
و ملی را رقم زده،
توازن معیشتی را
خدشه دار کرده
است و ظلم
محسوب می‌شود.

• مصرف

در این عرصه نیز نهی از اسراف و تبذیر و تجمل‌گرایی و عمومی‌سازی خدمات درمانی و آموزشی جزو الزامات برجسته است.

منطق

اولویت‌بندی ابعاد

نظریه اسلامی

عدالت اجتماعی

این نکته مهم قابل ذکر است که این سه بعد هم‌ارز یکدیگر هستند، اما در مقام تراحم و اولویت، برخی بر برخی دیگر تقدم دارند. نحوه و چینش این ابعاد را می‌توان در چهار اصل خلاصه کرد:

• اصل اول

تبعی بودن اقتصاد بر قوام نسل: از نگاه این نظریه همه اجزای یک جامعه حتی معیشت و اقتصاد عادلانه و صحیح در خدمت تولید و استمرار نسل سالم و معنوی انسان است؛ از این رو اهمیت توجه و فراهم آوردن معیشت متناسب با هدف غایی قوام نسل انجام می‌گیرد.

• اصل دوم

احکام اقتصادی تابع نوع زیرساخت اجتماعی: هر نوع تدوین و اجرای احکام و برنامه‌های اقتصادی به زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی خاصی نیاز دارد. عدم توجه یا غفلت از این موضوع عملاً سیاست‌های اقتصادی را به شکست عمیق دچار خواهند کرد؛ به همین دلیل، پیگیری زمین و بستر مناسب فرهنگی برای اجرای صحیح منویات معیشت و اقتصاد عادلانه ضروری است.

• اصل سوم

اصلاحات اقتصادی از مسیر تدابیر اجتماعی و به عکس: با وجود تلقی عمومی، مسیر حل مسائل اقتصادی و اجتماعی لزوماً از راه‌های متناظر با آن حوزه (اقتصادی یا اجتماعی) نمی‌گذرد. در بسیاری از موارد حل مشکلات اقتصادی را باید در یک مداخله و اصلاح فرهنگی یا اجتماعی جست‌وجو کرد و حتی جلوگیری از شیوع یک عادت یا فرهنگ نادرست را باید در مناسبات اقتصادی نامناسب دنبال کرد.

• اصل چهارم

قوام دولت و امامت عدل، حاکم بر قوام نسل و مال: بدون یک حاکمیت الهی و عادل، صحبت از برنامه‌ریزی و تحقق نسل سالم و معیشت عمومی متناسب بی‌معناست. تا نظام امامت عدل بر جامعه و اجزای نهادی آن حاکم نشود، خواست‌ها و تمایلات عادلانه به عزم و اراده قوی و مستمر برای تحقق بیرونی منجر نخواهند شد.

جمع‌بندی

عرصه حیات اجتماعی حیطه‌ای پیچیده و ذوابعاد است؛ از این رو تحقق عدالت در هر حوزه با معیارهای متنوع و متکثری همراه است. نظریه اسلامی عدالت اجتماعی با